

ماجرای دو کارمندی که رئیس خود را کشتند

رسیدگی به این پرونده از 29 دی سال ۹۰ به دنبال ناپدید شدن مدیرعامل یک شرکت خصوصی در حاشیه تهران کلید خورد. همسر رئیس شرکت با مراجعه به اداره پلیس گفت: همسرم رضا مدیر یک شرکت فروش شیرآلات است. او دیروز از خانه بیرون رفت و دیگر از او خبری ندارم، گوشی موبایل او هم خاموش شده است.

در حالی که ردیابی‌های پلیسی برای یافتن مرد گمشده ادامه داشت حدود یک سال بعد پلیس دریافت اموال این مرد بعد از ناپدید شدنش توسط یک مرد ۳۸ ساله به نام سیامک انتقال یافته است. این موضوع سرخ تازه‌ای برای کارآگاهان بود بنابراین خیلی زود وی بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. سیامک در اظهاراتش ادعا کرد: من وکیل قانونی رئیس شرکت بودم. او به من وکالت بلاعزل داده بود تا اموالش را به نام خودم سند بزنم و در فرصت مناسبی بفروشم. در حالی که مدرکی علیه سیامک به دست نیامده بود، دوست صمیمی وی به نام فرامرز به پلیس آگاهی رفت و پرده از جنایت هولناک برداشت.

فرامرز در اظهاراتش گفت: حدود ۱۱ ماه قبل من و سیامک با رضا آشنا شدیم و با انگیزه تصاحب اموال وی با او طرح شراکت ریختم اما در فرصتی مناسب او را داخل شرکت کشتیم و جنازه‌اش را داخل **کارتن‌های گالوانیزه** گذاشتیم و جسدش را کف شرکت دفن کردیم.

کارآگاهان جنایی با اطلاعاتی که این مرد به پلیس داد بقایای جنازه دفن شده را کشف کردند. جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و طی گزارشی پزشکی قانونی علت مرگ را خفگی با سیم برق اعلام کرد. به این ترتیب سیامک نیز لب به اعتراف گشود اما مدعی شد فرامرز عامل قتل است و ادامه داد: فرامرز پس از قتل، مدارک شناسایی رضا را به من داد.

من هم یک روز خودم را با گریم شبیه رضا کردم و با مدارک شناسایی او به دفترخانه رفتم. آنجا وکالتنامه‌ای به سیامک - خودم- دادم و بعد از آن بود که توانستم اموال رضا را به نام خودم سند بزنم.

با اعتراف‌های دو متهم آنها در دو مرحله در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محمد باقر قربانزاده و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستادند. در نخستین جلسه دادگاه در ابتدای این جلسه اولیای دم برای دو متهم حکم قصاص خواستند. سیامک گفت: من رضا را نکشتم فقط چند ماه بعد با هویت جعلی و با مدارک رضا به یک دفترخانه رفتم و اموال او را به نام خودم سند زدم تا در فرصت مناسب آنها را بفروشم. من حتی شاهد قتل هم نبودم و نمی‌دانم فرامرز چگونه رضا را کشت. او فقط به من گفته بود رضا را خفه و جنازه‌اش را در کف یکی از اتاق‌های شرکت دفن کرده است.

وقتی نوبت دفاع به فرامرز رسید خودش را بی‌گناه خواند و انگشت اتهام را به سمت هم جرمش نشانه رفت. وی گفت: سیامک **قاتل** است. من در این ماجرا هیچ دخالتی نداشتم. در دومین جلسه محاکمه که هفته گذشته در شعبه دهم دادگاه کیفری برگزار شد در ابتدای جلسه دو شاهد به عنوان مطلع در دادگاه حضور یافتند تا درباره این پرونده شهادت دهند. نخستین شاهد گفت: من شب حادثه هر دو متهم را که در مقابل در شرکت ایستاده بودند و رفتار مشکوکی داشتند، دیدم.

دومین شاهد که یک زندانی جرایم مواد مخدر بود و برای شهادت در این پرونده از زندان به دادگاه منتقل شده بود در جایگاه قرار گرفت و گفت: من در آن موقع سرایدار شرکت بودم وقتی جلوی در ساختمان ایستاده بودم دیدم سیامک و فرامرز در حال جابه‌جایی یک صندوق هستند حتی به فرامرز گفتم اگر می‌خواهید کمکتان کنم که او گفت نه صندوق سبک است و نیازی به کمک من نیست.

سپس هر دو متهم پرونده به ترتیب پای میز محاکمه ایستادند و در دفاع از خود همدیگر را قاتل معرفی کردند. قضات نیز پس از شنیدن اظهارات متناقض دو متهم پرونده، برای صدور رأی وارد شور شدند.

Source URL: <https://www.otaghkhabar24.com/news/152333>